



## یادداشت

فرمان تشدید مجازات مخالفان در فضای مجازی از ترس است

صادق کار



علی خامنه‌ای رهبر رژیم اسلامی در این هفته در دیداری که با کارگزاران خود در دستگاه بیداگر قضایی داشت، پس از مهم خواندن قوه قضایی از آنان خواستار برخورد شدیدتر و سانسور بیشتر شد و گفت

"اینکه یک عده با استفاده از فضای مجازی یا غیرمجازی روی اعصاب مردم راه بروند و امنیت ذهنی مردم را بهم بزنند و مردم را بترسانند، این خلاف مقتضی احیای حقوق عامه است، قوه قضائیه باید با برنامه‌ریزی، انضباط و با قاعده وارد بشود"

صحبت از "حقوق عامه" از طرف شخصی که در عمل نشان داده کوچکترین حقوقی برای مخالفان خود قائل نیست و هزاران تن از مخالفان خود را طی ۳۴ از دم تیغ گذرانده، به راستی نهایت شیادی و فریبکاری است. سپردن آن به یکی از دستگاه اصلی سرکوب نیز حکایت سپردن مراقبت از بره به گرگ را دارد. در پس این عوام فریبی دیگر کسی نیست که معنی این سفارش را آنطور که هست نداند. سبب آن هم برای مردم روشن است و آن چیزی نیست جزء اعمال سانسور، سرکوب و ارباب بیشتر مردم بلکه دست از سر او بردارند. ترس و وحشت او از مردم را البته در لابلای سخنرانی او با همه تلاشی که برای پوشاندن آن از انظار بکار می‌بندد می‌توان فهمید

خامنه‌ای در ماه‌های اخیر حضور رسانه‌ای خود را بیشتر کرده است. به نظر می‌رسد آنچه سرکرده و رهبر ارتجاع و استبداد حاکم را وادار به انجام سخنرانی‌های مکرر کرده است به دست گرفتن مستقیم هدایت سرکوب جنبش زن، زندگی، آزادی و همچنین نهادهای مدنی و سندیکای باشد. وارد کردن اتهامات ناروا به مبارزان جنبش انقلابی و فعالین مدنی و تشویق به سرکوب هر چه بیشتر مردم به جان آمده که مستقیماً به زیر کشیدن رژیم را هدف مبارزات خود قرار داده است، بیش از هر چیز او را به خشم و جنون کشانده است. پس از برکناری فرمانده پیشین نیروهای سرکوبگر و انتصاب سردار رادان بد نام و جنایتکار به جای وی، تعداد سخنرانی‌های و لحن کلام خامنه‌ای نیز خشن‌تر شد و جواب رد به سینه همه ی کسانی که وی را دعوت به کنار آمدن با معترضان و پرهیز از اعمال خشونت می‌نمودند زد



افزایش نا رضایتی در میان نیروهای سرکوب رژیم و تمرد بعضی از آنان در حمله به مردم نیز به نوبه خود در به دست گرفتن مستقیم هدایت بی واسطه سرکوب نقش داشت و باعث سنوژن وی نسبت به وفاداری بعضی از فرماندهان زیر دست شده بود.

سخنرانی های پیاپی با مضمون سرکوب و سختگیری بیشتر، انعکاسی از ترس و نگرانی خامنه‌ای از آینده تیره و تاریک رژیم و خود او است. او می‌کوشد با استفاده از زور، تهدید و ارباب و خفقان جنبش مردمی و هر امکانی را که جنبش می‌تواند از آنها برای ارتباط گیری با مردم بهره بجوید ولو اینکه هزینه های زیادی را به خود رژیم تحمیل نماید از میان بردارد و اگر از بین بردن آن میسر نشد آنها را محدود کند.

سانسور و فیلترینگ اینترنت یکی از این امکانات است که به کابوسی برای رژیم و امکانی برای مردم تبدیل شده است. با وجود تلاشها و هزینه کردن میلیاردها پول و بگیر و ببند گسترده فعالان عرصه مجازی و اعمال مجازاتهای سنگین علیه آنها که اکثرا جوانان ضد رژیم هستند، اما سخنان خامنه‌ای گویای آن است که رژیم در این عرصه نیز موفقیت چندانی به دست نیاورده است که هیچ، بلکه صاحبان کثیر مشاغل مجازی را بخاطر تاثیرات منفی فیلترینگ روی شغل و درآمد آنها علیه خود برانگیخته و موانع جدی بر سر افزایش فیلترینگ بوجود آورده است.

دستگاه قضایی ارتجاعی و جنایتکار قضایی بعد از نیروهای امنیتی بیشترین نقش را در سرکوب جنبش های مردمی و نهادهای مدنی و پاسداری از استبداد و بی عدالتی دارد. در نقش و اهمیت این قوه قهریه استبدادی همین بس که به گفته رئیس آن تنها در جریان جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، بیش از ۹۰ هزار نفر از مبارزان جنبش را زندانی نموده، ۲۰ هزار نفر را به محاکمه کشیده، قتل و نابینا کردن صدها تن از مردم معترض را تأیید و با اعدام نزدیک به ۶۰۰ نفر رکود اعدام در دنیا را شکسته است. تعداد زیادی از کسانی را که غیر مستقیم با خوراندن سم و داروهای روانگردان و در زیر شکنجه های وحشیانه به قتل رسانده‌اند بر این لیست جنایت اگر بیفزاییم ماهیت پلید و جنایتکارانه و اهمیت آن برای خامنه‌ای و رژیم اش بیشتر نمایان می‌شود. با این همه خامنه‌ای هنوز از قوه قضائی خود راضی نیست، او خواهان فشار و سرکوب بیشتر است و توقع دارد بوسیله قوه قضایی تحت امر خود فضای مجازی را که باعث راه رفتن روی اعصاب او می‌شود با اعمال مجازاتهای سنگین از دست مخالفان و مبارزان خارج کند. امری که حداقل تا کنون موفق به آن نشده است و نخواهد شد.

**از اعتصاب کارگران شرکتهای پتروشیمی و نفتی و سایر کارگران و بازنسندگان،  
پرستاران و مطالبات آنان حمایت کنیم!**

**مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!**

**ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می‌کنیم!**



کار کودک: علل و عواقب تداوم فقر بخش هشتم  
برنامه بین المللی برای محو کار کودک  
ژان مائینات



## کار کودک و فقر: دیدگاه "کلان" - ادامه 2.3

قابل انتظار است که تحقیقات همپیوندی بالائی را بین سرمایه گذارهای اجتماعی و سطح کار کودکان نشان دهند: هرچه این سرمایه گذاری بیشتر، سطح کار کودک پائینتر. با این حال تحقیقات انجام یافته جنبه دیگری از این همپیوندی را نیز آشکار می کنند. در وهله اول، کشورهایی که بالنسبه بودجه سالانه بیشتری را به آموزش و پرورش اختصاص می دهند، غالباً سنت پایداری در سرمایه گذارهای اجتماعی بالا دارند. این واقعیت، با توجه به نرخ پایین کار کودکان در این کشورها، حاوی این نتیجه است که کاهش کار کودکان نه تنها سطوح بیشتری از سرمایه گذاری، بلکه تداوم آن سطوح سرمایه گذاری بالا در میان مدت و بلند مدت نیز ضرور است.

در وهله دوم، سهم بودجه عمومی برای آموزش و پرورش نسبت به مجموع بودجه های عمومی اجتماعی، دارای اهمیت بسیاری است و، حسب انتظار، تأثیر مستقیم تری بر نرخ کار کودکان می گذارد. داده های موجود مربوط به 9 کشور از 17 کشور آمریکای لاتین به روشنی نشان می دهند که هرچه سهم بودجه عمومی برای آموزش و پرورش در کل بودجه های عمومی اجتماعی بیشتر باشد، اثر آن در مهار کار کودک محسوستر است. البته باید تصریح کرد که مشکل سطوح پایین بودجه عمومی این کشورها طبعاً در بودجه های عمومی اجتماعی منعکس می شود، وگرنه اکثر آنها تلاش قابل توجهی در آموزش و پرورش دارند، و بخش مهمی از بودجه های عمومی اجتماعی را به آن اختصاص می دهند.

بودجه عمومی اجتماعی، یعنی مخارج بخش دولتی در زمینه های اجتماعی (آموزش، سلامت، تأمین اجتماعی، مسکن و غیره)، به خوبی نشاندهنده تلاشهایی است که دولتهای کشورها به صورت خدمات اولیه به منظور بهبود شرایط زندگی اهالی به آنها ارائه می دهند. تجزیه و تحلیل همپیوندی نرخ کار کودکان بین 5 تا 14 سال با بودجه عمومی اجتماعی سرانه نشاندهنده یک همپیوندی منفی مهم بین این دو است: نرخ پایین کار کودکان با سطوح بالاتری از بودجه عمومی اجتماعی سرانه همراه است و بالعکس.



مطالعه حاضر، به غیر از بودجه آموزش و پرورش، شاخص "پوشش" سیستم آموزشی و برخی شاخصهای کیفی مناسب را نیز در نظر گرفته و تحلیل کرده است. در مورد شاخص پوشش، مهم است در نظر داشته باشیم که این شاخص نقش مضاعفی در تحلیل موضوع مورد علاقه مطالعه حاضر دارد: سطح پایین پوشش ممکن است هم به دلیل مشکلات و محدودیتهای برای عرضه خدمات آموزشی باشد (که منجر به سطح بالاتر کار کودک می شود) و هم به دلیل تقاضای محدود آموزش توسط کودکان کار، زیرا کودکانی که کار کودک را "انتخاب" می کنند، از رفتن به مدرسه منصرف می شوند و از این طریق بر شاخص پوشش مؤثر می افتند. علیرغم ملاحظات فوق، اکثر کشورهای آمریکای لاتین نرخ بالای ثبت نام خالص در آموزش ابتدایی را نشان می دهند، به طوری که نمی توان شاخص پوشش را یک عامل تبعیض آمیز مؤثر بر کار کودکان دانست. داده های محدود مربوط به این شاخص در دوره دبیرستان قابل اتکا نیستند، زیرا قویاً و متزایداً متأثر از همان دشواری نقش مضاعفی اند که هم از جانب عرضه و از سوی تقاضا عمل می کنند.

نرخ بالای ثبت نام خالص در مدارس ابتدایی (یکی از شاخصهای پیگیری انطباق سیاست دولتها با اهداف توسعه هزاره) نشان می دهد که به طور کلی، سیستمهای آموزشی کشورهای آمریکای لاتین به سطوح بالایی از پوشش در سطح آموزش ابتدایی رسیده اند. با این حال، شاخص مرتبط دیگری که در مجموعه شاخصهای پیگیری تحقق اهداف توسعه هزاره نیز در نظر گرفته می شود، نشان می دهد که پیشرفت تحصیلی در آموزش ابتدایی بسیار پایین است. این شاخص مرتبط همانا درصد دختران و پسرانی است که در کلاس اول ثبت نام کرده و به کلاس پنجم می رسند. ارتباط شاخص اخیر و منظورداشت آن به این دلیل است که طبق تعریف یونسکو، کودکان تا کلاس پنجم به "سواد کارکردی" می رسند، به نحوی که تنها کسانی که حداقل کلاس پنجم را گذرانده باشند، می توانند باسواد در نظر گرفته شوند. سطح "تا کلاس پنجم" در آمریکای لاتین به طور کلی پایین است، و این نشاندهنده مشکلاتی کیفی در آموزش است.

چنان که انتظار می رود، این شاخص پیشرفت تحصیلی نیز با میزان کار کودکان دارای یک همبستگی منفی است: هرچه درصد "تا کلاس پنجمی" ها بیشتر، نرخ کار کودکان کمتر. البته ضریب همبستگی چندان بالا (0.36) نیست.

باری، این نتیجه از منظر مطالعه حاضر از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا کودکانی که به کلاس پنجم نرسیده و مدرسه را رها کرده و وارد بازار کار می شوند، سواد کارکردی ندارند و به همین دلیل، فقط می توانند به کارهای کم کیفیت دسترسی داشته باشند؛ مشاغلی با دستمزد ناچیز و بی ثبات، که فقط فقر را تداوم خواهند بخشید

**اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!**

**نابود باد استبداد و بی عدالتی!**

**کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!**



قدرت در تشکل معنی پیدا می کند!

صادق



کی از کارگران شرکت کننده در اعتصاب سراسری دوم کارگران شرکتهای پیمانکاری در یادداشتی که روز گذشته در کانال تلگرامی (شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت) منتشر شد، گزارشی از روند این اعتصاب و نتایج آن را شرح داده است

نویسنده نامه که خود از حامیان و شرکت کنندگان فعال اعتصاب و ادامه آن تا رسیدن به پیروزی کامل بوده است، پس از شرح عقب نشینی کارفرمایان در مقابل اعتصاب و موافقت آنان با بخشی از درخواست کارگران برای افزایش ۷۹ درصد به دستمزدها، معتقد است اگر اعتصاب به صورت یک پارچه ادامه پیدا می کرد و کارگران پس از موافقت کارفرمایان با افزایش ۲۱ تا ۴۰ درصد به دستمزدهای شان به سر کار بر نمی گشتند، موافقت با افزایش ۷۹ درصد به دستمزدها دور از انتظار نبود. "نقل به معنی

او سپس و به درستی همین حد از عقب نشینی کارفرمایان را نتیجه و دستاورد اعتصاب می داند و می نویسد: "اینکه کارفرمایان در جاهایی از ۲۱ درصد افزایش مزد به سی درصد و چهل درصد رضایت دادند زیر فشار اعتصاب بود و قدرت ما را نشان میداد. حالا همکاران میگویند اگر متحد تر عمل میکردیم میتوانستیم عقب نشینی جدی تری به آنها تحمیل کنیم و حتی اوضاع طوری بود مجبور میشدند که تا ۷۹ درصد بالا بروند. بنا براین نفس همین عقب نشینی ها را باید به حساب دستاورد اعتصابات خود بگذاریم و سرمایه ای باشد برای دور بعدی اعتصاب و قدرتمند تر عمل کردن"

قبل از این نیز شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی، که این اعتصاب به دعوت آن انجام شد، گزارشهای مشابهی در مورد اعتصاب و پیامدها آن در میان نیروهای امنیتی را منتشر کرده بود

در گزارشها و ارزیابی شورای سازماندهی و نویسنده یادداشت مسائل درست و دقیقی مطرح شده و کوشش به عمل آمده تجربه اعتصاب به مبارزان و فعالان کارگری منتقل شود. ولی در یک مورد مهم که مربوط به نقش تشکل و تشکلی که با کمک آن بشود یک پارچگی اعتصاب را تا نیل به مقصود که از شروط اساسی هر اعتصابی است حفظ کرد به نظر می رسد غفلت شده است. این در حالی ست که قدرت واقعی در تشکل پایدار است که بروز و ظهور و معنی پیدا می کند



اعتصاب سراسری قبلی نیز که با دعوت و ابتکار شورای سازماندهی انجام گرفت دقیقاً با دستاوردها و نتایج مشابه‌ای خاتمه پیدا کرد. اما پس از مدتی پیمانکاران تلاش کردند زیر توافقات شان با کارگران بزنند و در تعدادی از شرکتها موفق به این کار شدند

در هر دو اعتصاب اکثر کارگران به اعتصاب پیوستند و از آن حمایت کردند. مقاومت اعتصابیون در مقابل فشار و تهدید و بگر و بندها هم مناسب و دلیل اصلی عقب نشینی کارفرمایان مقاومت و پایداری اعتصابیون روی خواسته هایشان بود. کارگران موفق شدند در اثر اعتصاب امتیازاتی به دست آورند، اما حداقل در اعتصاب قبلی همه نتوانستند امتیازات به دست آمده را حفظ کنند. یک اشکالی باید در کار وجود داشته باشد که نتوانستند دستاوردهای خود را که محصول یک اعتصاب گسترده طولانی بودند نتوانستند حفظ کنند این همان نکته‌ی مهم و اساسی است که در گزارشهای شورای سازماندهی و یادداشت به آن پرداخته نشده است.

سازماندهی اعتصاب در یک واحد را هر نوع تشکلی از کمیته اعتصاب گرفته تا شورا و سندیکا می تواند انجام و بسته به شرایط آن را رهبری کند. اما حفظ مطالبات هر اعتصابی بستگی به وجود نوعی از تشکل پایدار در هر واحد معین دارد

هر ساله صدها و بلکه هزاران اعتصاب در کارخانه ها و موسسات مختلف انجام می گیرد و ظاهراً کارفرماها و دولت در موارد زیادی با خواسته های اعتصابیون، موافقت می کنند. اما پس از فروکش کردن اعتصاب زیر تمام قول و قرارهایشان می زنند و عده‌ای را نیز اخراج و زندانی می کنند. سبب اصلی این دور باطل که ده‌ها سال است ادامه دارد بیش از هر چیز فقدان تشکلهای پایدار و کارآمد در سطح هر واحد و در بعد سراسری است

شورای سازماندهی گذشته از اینکه خود را چگونه تعریف می کند، وقتی که کارگران یک مجموعه و رشته را خطاب قرار می دهد و از آنان دعوت به اعتصاب می کند و سطح خواسته‌های آنها را هدف گذاری می کند، در واقع به منزله یک اتحادیه‌ی رشته‌ای عمل می کند. با این تفسیر، مانند همه اتحادیه‌ها برای پیشبرد مطالبات و اهداف خود به شعب و زیر مجموعه‌های در تک به تک واحدها نیاز دارد. بدون داشتن زیر مجموعه مسلم است که نه می شود یکپارچگی اعتصاب را تا نیل به مقصود حفظ کرد، و نه دست آوردهای اعتصاب را

با این اوصاف در شرایط امروز ایران که فعالیت اتحادیه‌ای با مجازاتهای شدید روبرو است، شکل گیری این نوع تشکلهای که از بالا و به صورت نامعمول انجام می شود، نه پدیده‌ای غیر معمول است و نه می شود انتظار داشت همه‌ی مشخصات یک تشکل اتحادیه‌ای را که در شرایط قانونی تشکیل می شود را داشته باشد

پاسخ مثبت کارگران ۱۱۰ شرکت پیمانی به فراخوان اعتصاب اردیبهشت امسال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نشان داد که این تشکل به رغم همه محدودیت‌های که با آن مواجه بوده، در میان کارگران شرکت‌های پیمانکاری جا باز کرده و با استقبال قابل توجهی مواجه است. این استقبال به مراتب بیشتر خواهد شد اگر شورا بتواند زیر مجموعه‌های خود را بوجود آورده و آن را گسترش دهد

**ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!**

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!**

سفره های خالی کارگران و عذر بدتر از گناه جناب (نماینده)

صادق



علی خدایی سر گروه نمایندگان تشکلهای حکومتی در شورای عالی کاردر مطلبی که با عنوان "ناگفته‌های جلسه تصویب مزد ۱۴۰۲ از زبان عضو شورای کار" روز گذشته در خبرگزاری ایلنا منتشر کرد مطالبی را در توجیه رای و حمایت خود از مصوبه مزدی شورای عالی کار بیان کرد که در واقع عذر بدتر از گناه است و همدستی وی با نمایندگان کارفرمایان و دولت در این اقدام را عیان می سازد. اظهار پشیمانی این نماینده شوراهای اسلامی پس از گذشت بیش از سه ماه از مصوبه‌ای که با اعتراضات متعدد و انزجار عمومی کارگران و بازنشستگان رو به رو شد در واقع پاسخی است به صولتی وزیر کار رژیم ستمگر و عدالت ستیز فقاقتی، که چند روز پیش با اظهار شگفتی از واکنش علی خدایی نسبت به مصوبه‌ای که خود به آن رای داده بود

علی خدایی در این نوشته پس از اشاره به وعده کنترل تورم توسط وزیر کار و نمایندگان کارفرمایان و خلف وعده شان می گوید: "اینکه آقای وزیر از اعتراض آن شخصی تعجب می‌کند که مصوبه مزدی را امضا کرده، عجیب است. این درحالی است که اعضای تیم کارگری عضو شورای عالی کار بارها و بارها به تصمیم دولت در شورا اعتراض کرده و همگی گفتیم که برخلاف ادعای دولت، تورم کاهش پیدا نخواهد کرد. ما با علم و آگاهی می‌دانستیم وعده‌ی دولت وعده‌ای عملی نیست و این تورم کاهش پیدا نخواهد کرد. اما به این دلیل بعد از چند جلسه و ساعت‌ها مذاکره و بحث و استفاده از تمام روشهای مرسوم مذاکره، تن به تصمیم مزدی دادیم که فشارها و اصرار دولت (با همراهی تیم کارفرمایی عضو شورا) بر کاهش تورم بسیار زیاد بود و هم گروه کارگری بین دو لبه قیچی گیر کرده بود که یا افزایش مزد ۲۷ درصد را می‌پذیریم و یا خودشان مزد ۲۰ درصد را تصویب می‌کنند و در این نقطه از مذاکرات دوگانگی بین گروه کارگری نیز پدید آمد، نهایتاً این وضعیت موجب تصویب شدن مصوبه مزدی شد

قضیه روشن است. به گفته آقای خدایی "نمایندگان کارگران" با وجود اینکه می دانستند کاهش تورم کذب



است و شاهد رشد و پرشتاب بودن تورم بودند، بخاطر تهدید دولت و نماینده کار فرمایان به مصوبه رای دادند! بنا بر این تصمیم آنها آگاهانه بوده است. پرسیدنی است اگر این سه تن رای نمی دادند چه می شد؟ مگر نه این است که آنها هر آنچه را وزیر کار و شرکای حکومت می خواستند تصویب کردند؟ در این صورت شان حضور تشریفاتی شان در شورای عالی کار و تن دادن به مصوبه‌ای که کمتر از نیم تورم بود برای چیست؟ اگر پای منفعت شخصی و سر سپردگی به حکومت در میان نیست، برای چه در شورا مانده‌اند؟ ده ها سال است که این موش و گربه بازی ها ادامه دار و هر بار هم این جماعت با بهانه هایی تلاش کرده‌اند آن را ماست مالی کنند. سال به سال هم سفره کارگران خالی تر و زیر فشار دستمزدهای زیر خط فقر و تورم و گرانی بیشتر از قبل مچاله شده‌اند.

بی دلیل نیست که سرکردگان تشکلهای حکومتی به پاس سر سپردگی و مشارکت عملی در سرکوب مزدی در امنیت و رفاه بسر می برند و رهبران تشکلهای مستقل همچون داود رضوی، رضا شهابی، حسن سعیدی بخاطر دفاع و پیگیری حقوق همکاران خود، بارها دستگیر و زندانی می شوند و در زندان هم که هستند به هنگام بیماری از دارو و درمان محروم نگه داشته می شوند.

مسلم است تا هنگامی که نمایندگان تشکلهای مستقل و سازمانگران و کنشگران حقوق کارگران به زندان افکنده می شوند و مسئولین قضایی به محض آزادی هر یک از آنان برای بازگرداندن شان به زندان برایشان پرونده تازه می سازند، نباید انتظار داشت وضعیت کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران روز به روز بدتر نشود و فساد و تباهی و تبهکاری و فقر و فلاکت دست از سر مردم بردارند. مسبب همه این بدبختی ها و مصیبتها و ظلم و ستمها درست است که رژیم می باشد، اما تشکلهای و نهادهای وابسته به حکومت که در واقع بخشی از سیستم حاکم هستند، نقش و سهم غیر قابل انکاری در سرکوب کارگران دارند. تقصیر آنها کمتر از آنهایی که شهابی ها و بدایقی ها و امثال آنان را زندانی و محکوم می کنند، نیست.



ادامه اعتراضات به موارد صد کارگری برنامه هفتم رژیم عدالت سبز فقاhtی تجمع راهبران مترو در اعتراض به برنامه توسعه هفتم/ نمی‌توانیم بیش از ۲۰ سال کار کنیم. جمعی از راهبران خط ۵ مترو تهران، در اعتراض به بندهایی از لایحه برنامه توسعه هفتم تجمع کردند. تجمع راهبران مترو در اعتراض به برنامه توسعه هفتم/ نمی‌توانیم بیش از ۲۰ سال کار کنیم به گزارش خبرنگار ایلنا، جمعی از راهبران خط ۵ مترو تهران، امروز، دوشنبه ۱۲ تیرماه، مقابل ایستگاه مترو گلشهر در اعتراض به بندهایی از لایحه برنامه توسعه هفتم تجمع کردند. آنها با اشاره به بندهای (د) و (ذ) ماده ۲۹ فصل ۵ لایحه برنامه هفتم توسعه گفتند: در صورت تصویب این بندها، سنوات ارفاقی در مشاغل سخت و زیان‌آور برای هر سال ۲/۱ برابر و حداکثر هفت سال خواهد شد.





از طرفی با توجه به تعیین حداقل سن ۵۰ سال برای بازنشستگی مردان در این مشاغل، اکثر راهبران بجای ۲۰ سال ۲۶ سال و کسانی که از ۲۰ سالگی مشغول به کار شده‌اند ۳۰ سال باید کار کنند.



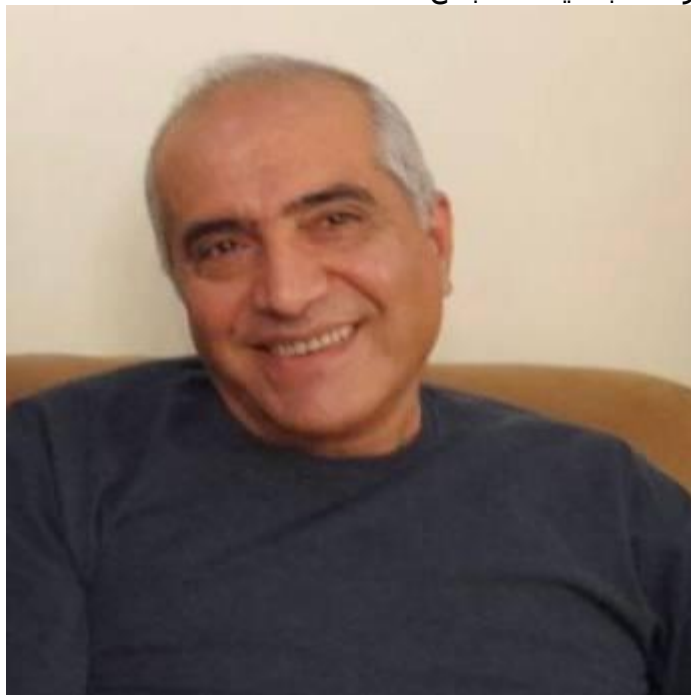
مرگ بیش از ۵ کارگر در هر روز / آقای معاون وزیر چطور ادعا می‌کند «میزان حوادث کار در ایران از میانگین جهانی پایین‌تر است»؟  
در کشور ما میزان حوادث کار و مرگ و میر ناشی از آن، از استانداردهای جهانی و از داده‌های مشابه در کشورهای مرفعی و صنعتی «بسیار بیشتر» است و گواه آن نیز مرگ بیش از ۵ کارگر در هر روز است.





حکم بدوی دادگاه تجدید نظر آیشا اسداللهی فعال کارگری عیناً تایید و به شعبه ۱ اجرای احکام زندان اوین ارسال شد.

آیشا اسداللهی، معلم و مترجم رسمی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی، بابت دو اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام به پنج سال و هشت ماه حبس تعزیری محکوم شد که این حکم اولیه در دادگاه تجدید نظر عیناً تایید و به شعبه ۱ دادگاه مقدس ( اوین) ارسال گردید. قابل ذکر است هنوز نامه معرفی به زندان به ایشان ابلاغ نشده است.



لغو مجدد اعزام داود رضوی کارگر زندانی به بیمارستان از طرف مسئولین زندان اوین به بهانه نپوشیدن لباس زندان

دیروز دوشنبه ۵ تیرماه ۱۴۰۲ طی هماهنگی قبلی با بیمارستان قرار بود داود رضوی برای انجام آندوسکوپی به بیمارستان اعزام شود ولی به علت نپوشیدن لباس زندان مسئولین زندان اوین مانع اعزام ایشان به بیمارستان شدند.

شرایط جسمی داود رضوی در طول بازجویی های طولانی و حبس های انفرادی و تحت فشار قرار گرفتن بسیار وخیم تر گشته است، اما مسئولین زندان به خاطر پایبندی داود رضوی به قوانین شناخته شده بین المللی در دفاع از حقوق اولیه زندانیان مانع اعزام ایشان به بیمارستان می شوند. این کار خصمانه و عامدانه آنان بیماری این کارگر زندانی را روز به روز حادثر خواهد کرد.



اعتراض کارکنان حوضه درمان تامین اجتماعی به دستمزدهای زیر خط فقر



شکایت دوباره، سپید قلیان: در دادگاه شرکت نخواهم کرد

دو پرونده جدید با ۶ مورد اتهامی برای زندانی سیاسی مریم کبری منفرد تشکیل شده است، برادر زنده یاد آیدا رستمی از مردم و پزشکان خواست در سالروز تولد خواهرش خدمات رایگان پزشکی بدهند و لبخندی بر لب کودکان کار بنشانند، یک پدر دادخواه در کردستان به شش ماه حبس و چهل ضربه ی شلاق محکوم شد

**از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای  
موقت تحمیلی حمایت می کنیم!**

**کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!**

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**sabosob@gmail.com**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگزاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید  
در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**